[موضوع: فقه روابط اجتماعی / ایذاء 2](#_Toc104319337)

[ادامه مبحث ششم: عنوان ایذاء؛ ذاتی قصدی التفاتی 2](#_Toc104319338)

[قصدی بودن تأذی 3](#_Toc104319339)

[ذاتی بودن ایذاء در مقام وضع 3](#_Toc104319340)

[التفاتی یا قصدی بودن ایذاء در مقام استعمال و با قرائن 4](#_Toc104319341)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ایذاء

# ادامه مبحث ششم: عنوان ایذاء؛ ذاتی قصدی التفاتی

ذیل آیه شریفه در جهت و مبحث ششم این سؤال طرح شد که ایذاء عنوان ذاتی علمی یا قصدی است. برای بررسی این سؤال و پاسخ به آن دو مقدمه ذکر شد. مقدمه اول تقسیم عناوین به ذاتی التفاتی و قصدی بود و مقدمه دوم این بود که همان عناوین ذاتیه که در وضع آن و تبادر وضعی آن التفات و قصد نیست با قرائن حالیه یا مقالیه با قرائن عامه و خاصه علم و التفات یا قصد دخالت می‌کند. به نحو مجاز یا به شکل دیگر. از این دو جهت است که هر عنوانی که در خطاب شرعی موضوع یا متعلق حکم تکلیفی یا وضعی قرار می‌گیرد دو سؤال را باید پاسخ داد:

1. این عنوان در وضع اولیه لغوی در آن التفات یا قصد وجود دارد یا نه و از قبیل کدام‌یک از این سه قسم است؟
2. بعدازاینکه معلوم شد عنوان در مقام وضع همان ذاتی است سؤال دومی مطرح می‌شود که قرائنی وجود دارد که با آنها عنوان التفاتی یا قصدی شده باشد. یعنی با قرینه ثانوی التفات یا قصد در آن عنوان مأخوذ باشد یا نه.

این دو نکته را در هر خطاب و عنوانی که متعلق و موضوع حکم قرار گرفته باید توجه کرد.

سؤال: این تقسیم در مقام ثبوت است یا اثبات؟

جواب: اینجا بحث ثبوتی می‌کنیم. دو تقسیم کلی وجود دارد. مثلاً من اتلف مال الغیر اتلاف قصدی است یا نه؟ اینجا دو مرحله را باید طی کنیم. به‌طورکلی وضع عنوان ذاتی یا التفاتی یا قصدی است. اگر التفاتی یا قصدی شد که تمام می‌شود. اگر در مقام کشف معنا از لغت و وضع و تبادر گفتیم ذاتی است نه التفاتی و قصدی باید قرائن خاصه را ببینیم. ممکن است قرائن بگوید اینجا عنوان قصدی به کار رفته است ولو اینکه همیشه و در قصد اولیه قصدی و التفاتی نیست. در همین من اتلف مال الغیر فهو له ضامن این سؤال مطرح است. ممکن است کسی بگوید اتلف برای جایی که قصد و علم باشد وضع شده است. ممکن است بگوید قصد و علم دخالت ندارد و واقعاً هم دخالت ندارد. اتلف جایی است که کوزه طرف را شکست یا ماشین او را از کار انداخت یا در دره انداخت اینجا اتلف مال الغیر صدق می‌کند ولو اینکه در خواب بود و قصد بالذات و بالعرض نداشت. اتلف عنوان ذاتی است نه قصدی. بعدازاینکه معلوم شد ذاتی است سؤال می‌شود که قرینه‌ای نیست که اتلف به معنای عمدی باشد؟ می‌گوییم چرا قرینه هست. اتلف یعنی تلف با علم یا با قصد.

گاهی هم هست در عناوین ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق می‌کند. یا تعدی با کدام حرف شود فرق می‌کند.

سؤال: قصد امر جوانحی است و چطور می‌توان فهمید؟

جواب: قواعدی دارد. یا اطمینان دارد یا ندارد. اگر مجازاتی مترتب بر عنوان قصدی است که عنصر معنوی جرم هم باید باشد در این صورت قاضی چگونه عنصر معنوی را تشخیص می‌دهد؟ می‌گویند اصل این است که در انسان‌های عاقل قاصدانه کاری را می‌کنند. در مقام شک حمل بر قصد می‌شود. قواعدی دارد.

این مباحث مقدماتی بود. با عبور از این مباحث مقدماتی که قواعد کلیه است و همه‌جا باید مدنظر باشد باید عنوان ایذاء را مطرح کنیم که چگونه است.

سؤال: این در صورتی است که قصد نسبت را بگوییم. مرحوم صاحب جواهر می‌گوید اگر باد کسی را از بالای بلندی بر روی دیگری پرت کرد می‌گوید اصلاً نمی‌شود نسبت داد

جواب: بله. گاهی اتفاقی می‌افتد که به هیچ‌کس نمی‌توان نسبت داد. مثلاً عبور می‌کرد و باعث اتفاقی شد که روی دیگری اثری گذاشت. در این صورت ممکن است آن را به این شخص نسبت ندهند. در سبب و مباشر گاهی اثر را به اسباب بعیده نسبت نمی‌دهند. اصل فعل اینجا صادق نیست. اینها درجایی است که اسناد باشد.

حال به سراغ ایذاء می‌آییم.

# قصدی بودن تأذی

در باب اذیت و ایذاء دو امر وجود دارد. یکی تأذی و اذیت شدن است. اذی یا تأذی. این را گفتیم عنوان قصدی است. اینکه کسی اذیت شد یا آزار دید منوط به آگاهی داشتن است. تأذی یا اذیت شدن در فعل لازم عنوان التفاتی و قصدی است. زیرا کراهت و تکره و تأذی مشروط به این است که کسی متوجه باشد و بفهمد.

# ذاتی بودن ایذاء در مقام وضع

این محل بحث نیست و روشن است. بحث در ایذاء است. یعنی اقدامی که موذی انجام می‌دهد و دیگری تأذی پیدا می‌کند. حال مطاوعه و قبولی که در طرف هست که تأذی و اذیت شدن باشد عنوان التفاتی است. اگر کسی چیزی نمی‌فهمد نمی‌شود گفت ناراحت شد و در او کراهت پیدا شد باید بفهمد. بحث این است که اقدامی که دیگری انجام می‌دهد و موجب پیدایش کراهت و ناخشنودی در شخص دیگری می‌شود اقدام شخص اول متقوم به این است که بداند یا بالاتر قصد کند این هست یا نه؟ در اضرار هم همین‌طور است. می‌گوییم ضرر نزن. ضرر زدن و ضرر وارد کردن متقوم به‌قصد و علم هست یا نه؟ در این حد ظاهراً متقوم نیست. همین‌طور که اعانه هم همین‌طور است. **﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾**[[1]](#footnote-1) این مفاهیم در مقام وضع به نظر می‌آید مفاهیم ذاتیه و از قسم اول‌اند. التفات در آنها مأخوذ نیست چه برسد به اینکه قصد بالذات مأخوذ باشد. در اضرار و اتلاف که واضح است که متقوم به علم به فعل و ماده نیست چه برسد به اینکه قصد باشد. در ایذاء هم همین‌طور است. ممکن است بدون علم باعث ناراحتی کسی شود. فراوان هم اتفاق می‌افتد. شخصی متأذی می‌شود و سببش را می‌گویند فلانی کاری کرد که او اذیت شد. آیا قصد داشته یا نه؟ می‌گویند اصلاً قصد نداشته علم به اذیت هم نداشته. علم به کار خودش داشته اما وقتی بخواهد آن کار ایذاء شود علم به ماده که ماده این هیئت است به ایذاء یا قصد ایذاء نداشته است. ولی واقعاً باعث ناراحتی دیگری می‌شود. مثلاً عطری زده که باعث ناراحتی دیگری شده یا لباسی پوشیده که دیگری حالش به هم می‌خورد. عطر مثال خوبی است. عطر زدن را قصد کرده معطر کردن را قصد کرده ولی اینکه شخص دیگری ایذاء شود توجه نداشته چه برسد قصد کرده باشد. ممکن است حتی ضد او را قصد کرده باشد ولی از نظر لغوی می‌گویند او را آزار داد.

یا ساخت‌وساز کرد و دیگری را اذیت کرد. درحالی‌که قصد نداشت و حتی علم هم نداشت. ولی می‌گویند او را اذیت کرد.

به نظر می‌آید در مفهوم و در مرتبه اول ایذاء مفهوم قصدی نیست حتی التفاتی نیست.

سؤال: در حقیقت می‌گویند تو اذیت شدی نه اینکه او را اذیت کرد

جواب: عرف می‌گویند او را اذیت کرد. عطر زده می‌گوید من را خیلی اذیت کردی. ظاهراً عنوان ذاتی است.

# التفاتی یا قصدی بودن ایذاء در مقام استعمال و با قرائن

اما در مرحله دوم که در مقدمه دوم گفتیم ممکن است کسی بگوید قرائنی وجود دارد که این عناوین را علی‌رغم اینکه ابتدائاً و در مقام وضع و استعمال معنای اولیه بدون التفات و قصد هم به کار می‌برند اما در ترکیب‌های این‌طوری قرائن و شواهدی وجود دارد که قصد هم هست. به‌خصوص آنجا که عذاب مترتب می‌شود. آنجایی که وارد فضای مجازات و توبیخ می‌آید قرائن عامه و گاهی خاصه‌ای موجب می‌شود قصد و علم به کار بیاید. حداقل علم و قصد بالعرض است. این بعید نیست.

اگر این را بگوییم چیزهایی در طول این سال‌ها گفته‌ایم که تغییر می‌کند. مثلاً در اعانه بر اثم گفتیم عنوان‌ها قصدی نیست. علم فقط برای تنجز لازم است نه فعلیت حکم. ولی ممکن است کسی بگوید **﴿لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ﴾** به دلیل اینکه در فضای توبیخ و عقاب قرار می‌گیرد عنصر معنوی هم دارد. یعنی کمکی که لااقل علم دارد. یعنی توجه دارد که کار او زمینه گناه را فراهم می‌آورد. یا حتی قصد دارد و کار را انجام می‌دهد که به او برای گناه کمک دهد. ما قبلاً این را تقویت نمی‌کردیم اما الآن با بحثی که شد آن را تقویت می‌کنیم. اینجا هم ممکن است کسی بگوید **﴿وَ الَّذينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتاناً وَ إِثْماً مُبيناً﴾**[[2]](#footnote-2) فضای آن ایذائی است که ولو به‌عنوان اولی قصد و علم نیست ولی در این فضا ایذائی تحریم می‌شود که آگاهانه یا مقصود باشد و درصدد ایذاء برآمده است و باید عنصر معنوی باشد.

سؤال: یعنی در فعلیت حکم دخیل است نه تنجز

جواب: بله. در فعلیت.

لااقل علم باید باشد. ولو اینکه اذیت بدون علم هم به لحاظ مفهوم لغوی صادق است ولی با این قرائن موضوع حکم نیست. آزار رساندنی موضوع حکم است که آگاهی به این آزار و ورودش به‌طرف باشد. اما اگر توجهی ندارد در این صورت حرام نیست. اینجا هم علم به موضوع دایره حکم را محدود می‌کند نه علم به‌حکم. این قرینه عامه است. ممکن است قرائن خاصه‌ای هم وجود داشته باشد. این احتمال اول است. یا عنوان ذاتی است یا اگر نیست اینجا با قرائن حالیه و مقالیه یعنی عنوان علمی یا قصدی. قصدی را هم قصد بالذات نمی‌گوییم لااقل عنوان التفاتیه است. **﴿يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ﴾** یعنی اقدامی می‌کند و توجه دارد که با اقدام او دیگری آزار می‌بیند. اگر توجه نداشته باشد دیگری آن را نمی‌گیرد. یعنی از دایره حکم خارج است نه تنجزات. والا حتی اگر عنوان ذاتی بدانیم و تا آخر هم بگوییم عنوان بی‌علم و قصد است تنجز حکم وقتی است که بفهمد. چون اگر نداند عقابی ندارد. آن از باب رفع در مقام تنجز عقاب است. ولی بنا بر این احتمالی که الآن طرح شد شرط فعلیت حکم می‌شود. اقدام آزاردهنده‌ای که آگاهی به آن باشد و الا حرمت در اینجا نیست.

سؤال: نمی‌شود بین فضای امرونهی و آنچه بر آن مترتب می‌شود فرق قائل شد؟

جواب: ممکن است فرق کند. اینجا که توبیخ و عقاب است ممکن است بگوییم قرینه عامه‌ای است که پای علم را به میان می‌آورد.

سؤال: آیا وابسته به‌طرف نیست؟ مثلاً گاهی ما اذیت می‌کنیم ولی دیگری حالتی دارد که اذیت نمی‌شود.

جواب: این صدق مجازی است. اگر در او آزردگی پیدا نمی‌شود ایذاء صدق نمی‌کند. ممکن است اضرار صدق کند زیرا اضرار قوام به درک او ندارد. ضرر به او زده است ولی او نمی‌فهمد.

احتمال دوم هم این است که بگوییم ایذاء نیست.

1. سوره مائده آیه 2 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره احزاب آیه 58 [↑](#footnote-ref-2)